

چایخانه باغ پریان



مهرداد ضیایی

از جمله مضمون‌هایی که از شروع تاریخ ادبیات تا به امروز همواره توانسته جایگاه عمده‌ای را به اشکال مختلف، به خود اختصاص دهد، عدالت است. این تم اجتماعی به خاطر جامعیتی که بین اقشار مختلف جامعه داراست می‌تواند دستمایه خوبی برای ایجاد یک تضاد درست بین خوب و بد یا بهتر بگوئیم بین ظالم و مظلوم ایجاد نماید و مهمترین عنصر نمایش که نقطه تولد آن نیز هست، یعنی برخورد را ایجاد کند.

نمایش «چایخانه باغ پریان» نیز بر این تم استوار گشته است. این نمایش برداشتی آزاد یا بهتر بگوئیم آдаپته شده نمایشنامه «مهر تقلبی» است و حکایت دو کارگزار اخراج شده دولت را می‌گوید که در چایخانه باغ پریان با خدمتگزار بازرس جدیدی که در بین راه به خاطر ازدواج، سفرش را به تعویق انداخته، روبرو می‌شود و با توجه به اطلاعاتی که از او کسب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند تا خود را به جای بازرس به حاکمان شهر معرفی کنند و در پی این جای‌گزینی حوادث دیگری بی‌ریزی می‌شود تا....

موقعیت‌های آبرونیک از جمله موقعیت‌هایی است که می‌تواند ایجاد کشش و هیجان قابل قبولی را در تماشاگر بوجود آورد. در این موقعیت‌ها تماشاگر از اطلاعاتی برخوردار است که بازیگر از آن اطلاع ندارد و همین امر باعث می‌شود که اشتیاق بیشتری برای پیگیری ماجرا در تماشاگر ایجاد گردد. این نوع موقعیت‌ها نه فقط در کارهای کمدی بلکه در تراژدی‌های باستان نیز به چشم می‌خورد و از نمونه‌های بارز آن می‌توان به «ادیب شهریار» نوشته «سوفکل» اشاره کرد.

روند داستان بگونه‌ای است که تماشاگر را تا به انتها به دنبال خود می‌کشد. درگیری‌هایی که بازرسان قلایی با کارگزاران ظالم بوجود می‌آورند نیز خود باعث، تشدید این روند در شکل‌گیری داستان می‌شود و فضایی کمیک و پرهیجان را ایجاد می‌نماید.

بنا بر اظهارات آقای «هرمز هدایت» کارگردان نمایش، هدف این گروه، بوجود آوردن دستاوردهای خلاقه بازیگران به عنوان عناصر اصلی نمایش بوده است ولی برخلاف این نظریه نمایش سعی در سرگرمی هر چه بیشتر داشته است و این حرکت‌های جمعی را نمی‌توان به نوعی یک زبان تازه، برای هر چه بیشتر نمایشی کردن اثر، عنوان نمود.

حرکت‌های فرم در نمایش می‌تواند کمک و یا بهتر بگوئیم یک عنصر تصویری برای هر چه فهم‌تر شدن نمایش باشد ولی هنگامی که ما با نمایشی برخورد می‌کنیم، که خود به زبانی زیبا و روان داستان خود را روایت می‌کند، لزوم این حرکت فقط یک منطبق خاص را می‌طلبد که شاید هم زیاد منطقی نباشد و آن زیبایی کاذب و سرگرمی ریتیمیک نمایش است.

در هنرهای نمایشی، سرگرمی و جذابیت یکی از عناصر سازنده است که توجه به آن می‌تواند ایجاد پل ارتباطی قویتری را بین اقشار بیشتر مردم بوجود آورد. اما توجه بیش از اندازه به این نکته نیز ما را به سست و سوی یک اثر صرفاً سرگرم کننده رهنمون می‌شود که تفاوت چندانی با برنامه‌های آکروباتیک و بازی‌های نمایشی ندارد.

طراحی صفحه نمایش چایخانه باغ پریان به هیچ‌وجه نتوانسته بود نقش خود را به عنوان یکی از عوامل مهم نمایش ایفا نماید. نمایش با توجه به مکان‌های مختلفی که حوادث در آن اتفاق می‌افتد، می‌توانست بدون هیچ‌گونه طراحی صحنه خاصی به اجرا درآید و همان گونه که در چند صحنه نیز عمل شده است، مکان‌ها توسط بازیگران ساخته شود ولی قراردادن آن در پیچه‌های اسلیمی گویی فقط

بر صحنه تئاتر تهران

نگاهی به نمایش‌های: حلاج و سلاطین، چایخانه باغ پریان
سکوت سحر، سوگ مضحکه آدم و مرد مومی



حلاج و سلاطین

نویسنده و کارگردان: حسین نصری. مشاور کارگردان: رضا فیاضی
دستیاران کارگردان: بهروز انسانی - محمود فرهنگ. مدیر تولید:
مجید جعفری

منشی صحنه: نگارشمس نیکنام. مدیر صحنه: مهرداد بصیری. عکس و
پوستر و بروشور: منصور آناهیده
طراح لباس: بهیه خوشنویسان. طراح دکور: امیر رضازاده -
ابوالفضل طوماری

طراح و اجرای جلوه‌های ویژه و ساخت موسیقی کامپیوتری:
جمشید اکبرزاده. طراح نور: علی صفری

طراح موسیقی: ابوالفضل ورمزیار. طراح گریم: رسول احمدی
مدیر روابط عمومی گروه: فرخ عظیمزاده

نوازندگان: حمیدرضا شفاعتیان. فرزاد نصری. ارسلان. علی سرخانی.
ابوالفضل ورمزیار

بازیگران: علی گوهری. علی طالب‌لو. بابک والی. آرزو اسلامی.
شراره یوسف‌نیا. محمود فرهنگ. مهرداد بصیری.
مسعود شریفی. محمدعلی فرمند. حسین لطیفی. علی زارع.
هومن برق نورد. اصغر فریدی ماسوله. رضا فیاضی.
جلیل فرجاد. ناصر نجفی. عسگر قدس.

سالن اصلی تئاتر شهر - فروردین ۱۳۷۲.

برای پنهان شدن بازیگران و ورود و خروج آنها
تعبیر شده و بدون هیچ دلیل حاصل است.

موسیقی نمایش هنوز نتوانسته است جایگاه
درستی را در کشور ما بدست آورد. توجه به این
نکته که موسیقی می‌بایست یک هنر به خدمت
گرفته شده برای نمایش باشد، ما را از
کجروی‌هایی که امروز در نمایش‌های زیادی به
چشم می‌خورد، دور نگه می‌دارد. در نمایش
چایخانه باغ پریان نیز استفاده بیش از حد از
موسیقی، تماشاگر را از خط اصلی و قصه دور
می‌کند تا جایی که در بعضی مواقع، بیشتر
تماشاگر تمایل داشت از موسیقی زنده لذت ببرد
تا نمایش را دنبال کند. البته از حق نباید گذشت
که موسیقی زیبا و جذابی بود و بسیار خوب نیز
اجرا می‌گردید.

از دیر نکات قابل اشاره می‌بایست به
طراحی خوب لباس این نمایش برداخت، چیزی
که متأسفانه بهای کمی به آن داده می‌شود. یک
لباس خوب برای اشخاص بازی می‌تواند
بسیاری از اطلاعاتی را که لازم است تماشاگر
آنها را بداند، در اختیارش قرار دهد. در چایخانه
پریان با استفاده از یک سری ایلمان‌های
قراردادی این مهم انجام می‌پذیرفت.

با توجه به آنچه که گفته شد یک نکته مهم
در مورد نمایش چایخانه باغ پریان لازم به ذکر
است و آن توجه به ذائقه امروز تماشاگر است.
نقطه نظری که مدتی است در تئاتر حرفه‌ای و
آمانور ما کمتر اهمیت یافته یا اگر هم به آن
پرداخته شده، بسیار خام و سطحی بوده است.

برای ایجاد یک ارتباط درست بین تماشاگر
و تئاتر می‌بایست به سلیقه تماشاگر توجه کرد، اما
این توجه نمی‌بایست به گونه‌ای باشد که تئاتر را
به سطح ساده پسندی و عامد پسندی صرف
سوق دهد بلکه باید به گونه‌ای باشد تا با توجه به
سلیقه‌های مختلف، رسالت تئاتر که همانا ایجاد
رشد فرهنگی در جامعه است نیز به انجام برسد.
چایخانه پریان با تمام ضعف‌ها و قوت‌ها
تلاش گروهی خوبی را برای ایجاد یک رابطه
درست داشته است. برای این گروه نو یا آرزوی
موفقیت داریم.